

متن پرسش

با سلام، چند تا سوال داشتم خدمتتون، اول اینکه کسی که به مقام توحید رسیده آیا اشتباه می‌کند؟ آیا گناه می‌کند؟ منظورم اینه که مثلاً آیا ما باید حرفهای علامه طباطبایی رو مثل وحی محکم بدونیم؟ یا مثلاً چرا آقای حداد خودشون تقلید می‌کنن؟ ایا ما حق داریم فکرکنیم علامه اشتباه کردند؟ علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن در تفسیر المیزان با بیان اینکه عامه مردان بر عامه زنان قیومیت دارند، چنین می‌نویسد: "قیم بودن مردان بر زنان عمومیت دارد، و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست و چنان نیست که مردان تنها بر همسر خود قیومیت داشته باشند، بلکه حکمی که جعل شده، برای نوع مردان بر نوع زنان است، البته در جهات عمومی که ارتباط با زندگی هر دو طایفه دارد، و بنابراین پس آن جهات عمومی که عامه مردان در آن جهات بر عامه زنان قیومیت دارند، عبارت است از مثل حکومت و قضا (مثلاً) که حیات جامعه بستگی به آنها دارد، و قوام این دو مسئولیت و یا بگو دو مقام بر نیروی تعقل است." (علامه طباطبایی در مورد زن و مرد میفرمایند که عامه مردها با عامه زنها قیم هستن، این یعنی چی؟ ایا به این معنی است که، زن نباید حتی یک دهدار شود. حتی نباید ریاست یک مدرسه ای که آبدارچی آن یک مرد است به زن داد. پس چرا زنان تحصیلات دانشگاهی انجام می دهند. این تحصیلات به چه دردی می خورد؟ اگر قرار باشد در مدیریت ها شرکت نکنند، چرا باید رشته هایی مثل مدیریت دختران در آن باشند؟ این اتلاف کردن منابع نیست؟ همین امسال در دانشگاه را بر روی دختران ببندند <رو در بایستی که نداریم. از یک طرف ما می گوئیم زن حق قیومیت ندارد، از طرف دیگر ۶۰٪ دانشگاهیان دخترند. خدا رحم کرده که در تحصیلات ارشد و بالاتر فیلترهای شدید جنسیتی اجازه رشد دختران را نداده است. بهتر است رشته هایی مثل خانه داری و شوهر داری بر پا کنیم تا زنان در آن رشته درس بخوانند از جمله کسانی که به این مسئله پرداخته، علامه حسینی طهرانی است؛ ایشان در کتاب "ولایت فقیه در حکومت اسلام" ضمن اشاره به آیه ۳۴ سوره نسا می نویسد: "ما می پرسیم: خداوند تبارک و تعالی که زن را قیم و سرپرست و صاحب اختیار در خانه و کاشانه کوچک خود به امور جزئی و پست قرار نداده، چگونه او را قیم قرار می دهد بر همه خانه ها و بیوت امت (و هی الدوله الاسلامیه)؟ آیا قیومیت حکومت که مطابق است با سرپرستی عامه، اعظم از قیومیت بیت نیست؟! آیا معقول است که خداوند بگوید: زن نمی تواند قیم خانه خود باشد، ولی در عین حال می تواند قیم تمام مردان و زنان ملت باشد؟! آیا ممکن است مسلمانی به زبان بیاورد یا حتی تخیل کند این را که: خداوند زن را قیم برای میلیون ها نفوس (چه مذکر و چه مؤنث) قرار داده است، اما قیم بر شوهر خود قرار نداده است؟! ایشان می افزاید: "ما می بینیم در زمان پیغمبر(ص) و در زمان خلفا،

حتی یک مورد پیدا نشد که زن‌ها را امر به خروج، و یا متصدی حکومت و ریاست کرده باشند. حتی در یک مورد که هم عایشه علیه امیر المومنین(علیه السلام) خروج کرد، مورد مذمت و نکوهش قرار گرفت؛ البته نه فقط به جهت جنگ با علی(علیه السلام)، بلکه از اینکه تو زن هستی و وظیفه ات خروج از بیت نبوده است؛ چرا از خانه بیرون آمدی؟! علامه طهرانی در آخر نتیجه می‌گیرد: "تمام مصادری که در آنها شائبه ولایت هست، مثل: نخست وزیری، وزارت، ریاست ادارات، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها و هر پستی که جنبه ولایی دارد، زن نمی‌تواند متصدی آن بشود. در جای دیگه می‌ارند که دلیل اینکه مرد برد زن قیومیت داره عقل بیشتره مرد هست، نشان این عقل چیه، یعنی چطور می‌شه فهمید که چه کسی عقل بیشتری داره، حد اقل بین مردها هم برا انتخاب بهترین باید یه معیاری باشه، حالا اگه طبق این معیار یک زن بهتر از مردها بود باز هم باید گفت که چون عقلش کمه ... آیا اصلا در زمان پیامبر موقعیاتی اصلا پیش آمد که پیمبر بخواهند یه مقام امنیتی یا سیاسی به زن‌ها بدن؟ اصلا اون موقع که هر منطقه کارش با یه والی و چند تا سرباز سامون میگرفت اصلا احتیاج بود؟ اصلا اون موقع بحث زنده به گور کردن بود. آیا این نظریه‌ها با شیوه عملی امام راحل همخوانی داره؟ اینها بحثا بی نیستن که ما بگیم یه اختلاف ساده فقهین، اینا مسائلی هستن که خیلی چیزا رو میتونه تحت تاثیر قرار بدن، و ما میدونیم که همه این بزرگواران هم در اوج قرار داشتن ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی علیکم السلام آری، غیر معصوم هر اندازه هم که در توحید زحمت کشیده باشند ممکن است در تشخیص مصداق یک موضوعی اشتباه کنند و همان طور که در مقاله تان مطرح فرموده‌اید، علامه طباطبایی (ره) مصداق "الرجال قوامون علی النساء" را به جای آن که در رابطه با خانواده بگیرند، در رابطه با جامعه گرفته‌اند. به نظر جوابی که آقای محمد تهرانی به مقاله‌ی "واقعیت مخالفت علماء با وزارت زنان" در سایت رجانیوز دادند نکات مفیدی را مدّ نظر قراردادن، موفق باشید